

ره آورد هنر در تاریخ و تمدن اسلامی

مریم کلهری^۱، عباس رهبری^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی علوم تجربی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید مدرس کردستان

^۲ عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید مدرس کردستان و دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران

چکیده

هنر یکی از ویژگی‌های مشترک انسانهاست. می‌توان گفت که هنر در زندگی ما انسانها نقش و جایگاه مهمی دارد. با توجه به نوع ذاتی هنر، هنر راهی برای شناخت بهتر انسان و جهان هستی و در نهایت، شناخت بهتر خداوند است با توجه به کارکرد اجتماعی آن، هنر یکی از عناصر اصلی تمدن سازی به شمار می‌آید. نتایج نشان می‌دهد که هنرمندان بزرگ و دانشمندانی که در زمینه‌ی هنر تلاش کرده‌اند که باعث گردید هنر اسلامی در کنار دیگر تمدن‌ها قرار گیرد. تمدن اسلامی در زمینه‌ی پرورش هنر و هنرمندان به نقطه‌ی اوج رسید و از بخارا تا قرطبه در اسپانیا به عالیترین وجه خود را نمایان کرد. از این رو هدف از پژوهش حاضر، بیان مفهوم هنر و تمدن اسلامی است. روش تحقیق در این بررسی، روش توصیفی و برای گردآوری اطلاعات از تکنیک کتابخانه‌ای استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: هنر، تمدن اسلامی، هنر اسلامی، زیبایی.

(۱) مقدمه

هنر یکی از ودیعه های الهی در وجود آدمی است همه زیبایی های مصنوع بشر ، از استعداد و نبوغی حکایت دارد که خاستگاهش همان ذات باری تعالی است تعلق داشتن به همه خوبی های آسمانی و دل خوش کردن بشر به همه لطایف زمینی امری فطری است و عرصه تجلی آن هنری است که هرگز اسلام بدان بی توجه نبوده است بنابراین اساس مطالعه هنر و جایگاه آن در تمدن اسلامی بسیار مهم است. بی گمان پیش از پرداختن به هر موضوعی از این دست می باید به معنای هنر به گونه ای عام و هنر دینی و متعالی به طور خاص توجه نمود . به همین دلیل، امروزه به مقوله هنر، بیش از پیش به عنوان زبان مشترک انسانی توجه می شود. در این میان، فرهنگ سترگ و میراث هنری گران قدر ایران اسلامی در دنیای امروز می درخشد و مشعلی فروزان برای رهروان حق است. در این مقاله پس از بررسی مفهوم هنر و تمدن اسلامی، به برخی نمونه های هنر اسلامی می پردازیم.

(۲) تعریف هنر

غار نبشته ها و اشیای مکشوف باستانی که پیشینه آنها به طول حیات جمعی بشر می رسد موید این مدعا است که پیش از کلام تصویر ، حلقه ارتباط و کانون درک بشری بود . اگر هنر را در معنایی عام استعداد بشر بدانیم بی گمان هنر همچون بخش های مختلف فرهنگ و تمدنی ساحتی پر دامنه دارد. این گستره معنایی هنر ، زمانی آشکار می شود که بتوان پذیرفت هنر از عناصر تعیین کننده تمدن است و همه بخش های مادی و معنوی جامعه تمدنی را نیز شامل می شود و از سویی همه افراد بشر از آن لذت می برند هر چند نزد اقوام ، ملل و ادیان مختلف تعاریف آن یکسان نیست هنر عبارت از خلق زیبایی قابل درک برای احساسات و تفکرات بشری ، هنر فعالیتی است که زیبایی را نمودار می سازد ، هنر همان کوشش و جد و جهدی است که برای به وجود آوردن و نمایاندن زیبایی ها به کار گرفته می شود یا به سخن دیگر ، هر قدرتی که بتواند زیبایی و جمال را بهتر بیاراید و آن را زیننده تر نشان دهد هنر نامیده می شود(آشوری، داریوش، ۱۳۸۰ ش- صص ۲۰۲-۲۰۶، مشتاق، ۱۳۷۵).

(۳) مفهوم هنر

هنر در لغت به معنای فن، صنعت، علم، معرفت، امری همراه با ظرافت و ریزه کاری، آن درجه از کمال که فراست و فضل را در برداشته و نمود آن صاحب هنر را برتر از دیگران بنمایاند، کیاست، زیرکی، لیاقت، کفایت و کمال (دهخدا، ۱۳۷۷) آمده است.

در معنای اصطلاحی هنر، اختلاف های فراوانی به چشم می خورد که نشان می دهد هنر به دلیل گستردگی و ظرافت خود، در عین پیدایی، ناپیداست. بعضی در تعریف اصطلاحی هنر گفته اند: «هنر در تجربه انسانی، روش خاصی از بیان حقایق زندگی است که بر عنصر تخیل استوار است» (بستانی ، محمود، ۱۳۷۱، ص ۱۲).

(۴) پیشینه هنر

باستان شناسان معتقدند نشانه هایی از هنر در دوره پیش از تاریخ که پارینه سنگی نام گرفته، یافت شده است. در دوران نوسنگی، حدود هشت هزار سال پیش از میلاد نیز هنر به رشد خود ادامه داده است. همچنین در عصر مس و سنگ، پیکره ها، ظروف شیشه گری، نمادهایی از رواج هنر در میان انسان های باستان است. در مصر باستان نیز همچون پیکر تراش، نقاشی های دیواری، اشیای تزئینی کوچک و مانند آن را رایج بود. در ایران دوره هخامنشیان، هنرها به اندازه ای با ارزش بود که ساخته های دست پیشه وران و هنرورزان ایرانی، چون تحفه هایی گران بها به دورترین نقاط جهان صادر می شد(مرزبان، پرویز، ۱۳۸۰، ص ۳).

۵) تعامل دین و هنر

رابطه هنر و دین، از موضوع های مهمی است که در آثار برخی دانشمندان مسلمان و نامسلمان به آن توجه شده است. در این مورد، برخی معتقدند دین و هنر، دو مقوله جدا از هم هستند و هنر نباید در هیچ محدودیتی، حتی محدودیت دینی قرار گیرد؛ ولی عده ای دیگر معتقدند هنر باید در محدوده ی دین حرکت کند و در خدمت دین باشد. هنر و دین رابطه متقابلی با یکدیگر دارند و هنر نباید از ارزش های اخلاقی و دینی دور بماند (بستانی، محمود، ۱۳۷۱، ص ۱۲).

۶) شکوفایی هنر اسلامی

یکی از اندیشمندان غربی، شکوفایی هنر اسلامی را بر اثر کشورگشایی مسلمانان و برخورد با تمدن دیگر ملت ها می داند و می نویسد: «داستان هنر اسلامی، با چکاچک شمشیر و آوای ستم ستوران در بیابان ها و بانگ بلند پیروزی الله اکبر آغاز می شود.» (پرایس^۱، ۱۳۶۴، ص ۵) البته گوستاولوبون^۲، تاریخ نگار برجسته فرانسوی، این دیدگاه را مخدوش می داند و می نویسد: «مشرق دارای فرهنگ و تمدن ریشه ای بوده و اعراب، مردمانی آشنا به تمدن بوده اند.» (لوبون، ۱۳۸۲، ص ۸۳) بدون تردید، آموزه های قرآن و سخنان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در تمجید از دانشمندان و هنرمندان و تشویق مردم به آموختن علم فن، در شکوفایی تمدن اعراب و ظهور هنرهای گوناگون میان مسلمانان نقش اساسی داشته است.

۷) نمادگرایی در هنر اسلامی

در طول تاریخ ایران، همیشه میان هنر و مذهب، ارتباط بسیار نزدیکی وجود داشته است. در حقیقت، دین، یکی از مهم ترین عوامل شکل دهنده هنر، و هنر، زبان ژرف ترین حکمت های بشر بوده است. بسیاری از آثار هنری بر جای مانده از پیش از اسلام، بر مبنای مفاهیم نمادین و به صورت انتزاعی طرح شده اند. هنرمندان مسلمان، افزون بر آفرینش نقش های نمادین مطابق با فرهنگ اسلامی، بسیاری از نقش های نمادین ایران باستان همچون قرص خورشید (شمسه)، سیمرغ، طاووس و مانند آن را تعدیل و با هماهنگ ساختن آنها با جهان بینی اسلامی، این نقش ها را دوباره احیا کردند. بعضی از نمادهای هنر ایران پیش از اسلام، مثل نقش فرشته هم بدون تغییر به دوره اسلامی منتقل شد. نقش فرشته، ترکیبی از نقش انسان است همراه با دو بال که بر روی شانه هایش قرار دارد. این نقش در تاریخ هنر، یکی از نوآوری های هنرمندان ایرانی به شمار می رود که با اضافه کردن دو بال بر دوش یک نقش انسانی، آن را به نماد ملکوتی و موجودی آسمانی تبدیل کرده است. (خزائی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۱).

۸) هنر اسلامی

هنر اسلامی یا هنرهای مسلمانان به بخشی از هنر اطلاق می شود که در جامعه مسلمانان و نه لزوماً توسط مسلمانان رواج داشته است. هرچند ممکن است این هنرها در مواردی با تعالیم و شریعت اسلام انطباق نداشته باشد ولی تاثیر فرهنگ اسلامی و منطقه ای در آن به خوبی نمایان است. هنر اسلامی یکی از دوران های شکوهمند تاریخ هنر و یکی از ارزشمندترین دستاوردهای بشری در عرصه هنری به شمار می آید و شامل انواع متنوعی از هنر همچون معماری، خوشنویسی، نقاشی،

^۱ .Prise

^۲ .Gustavo Lobo

سرامیک و مانند آن‌ها می‌شود. هنر اسلامی هنری نیست که فقط به آیین اسلام ارتباط داشته باشد. اصطلاح «اسلامی» نه تنها به مذهب، بلکه به فرهنگ غنی و متنوع مردمانی که در سرزمین‌هایی که آیین اسلام در آن رواج دارد نیز اشاره می‌کند. هنر اسلامی غالباً عناصری سکولار را که توسط برخی از علمای اسلامی حرام شمرده نشده را نیز در برمی‌گیرد (دیویس^۳، ۲۰۰۷، ص ۲۷۷). همچنین به آن دسته از مفاهیم و موارد هنری که در درون جوامع اسلامی تحت تاثیر عوامل منطقه‌ای و فرهنگ بومی به وجود آمده است نیز هنر اسلامی گفته می‌شود.

ظهور هنر اسلامی از دل دین و دولت جدید به صورت تدریجی و گام به گام نبود، بلکه همچون ظهور خود دین اسلام و حکومت اسلامی، روندی پرشتاب و ناگهانی داشت. عمده آنچه بر شکل‌گیری و تزئین بناهای صدر اسلام تأثیر گذاشت ویژه‌ی مسلمانان بود و این تأثیرات در خدمت اهدافی قرار گرفت که پیش از اسلام به آن شکل و صورت وجود نداشت. هنر اسلامی برای گسترش خود از منابع بسیاری الهام گرفت: هنر رومی، هنر اولیه مسیحی، و هنر بیزانس در هنر و معماری اسلامی اولیه مؤثر بودند؛ نفوذ هنر ساسانی از ایران پیش از اسلام، اهمیت بیشتری داشت؛ بعدها روش‌های و عناصر مختلفی از هنر آسیای مرکزی و هنر چین طی تاخت و تازهای چادرنشینان مغول اثر مهمی در نقاشی اسلامی، سفالگری، و منسوجات برجای گذاشت.

در میان آیات قرآن یا تعالیم شخص پیامبر اسلام به موارد کمی درباره هنر برمی‌خوریم. بازنمایی تصویری موجودات زنده در قرآن به صراحت منع نشده با این وجود بسیاری از مسلمانان ترسیم چهره‌ها و موجودات زنده را خطری به سوی بت‌پرستی به‌شمار می‌آوردند و گناه می‌دانستند؛ بنابراین هنر اسلامی اغلب بر خلق زیبایی با نقوش انتزاعی و استفاده از حروف، متمرکز بوده است (اسکیمیل^۴، ۱۹۹۲، ص ۱). و به دلیل محدودیت نسبی سایر هنرها همچون نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی، و حتی گاهی، حرام شمردن آن‌ها (شیخ صدوق، ۱۳۷۲، ص ۵) مسلمانان به توسعه سبک‌های مختلف در زمینه‌هایی انتزاعی سوق داده شدند.

عمده مسلمانان تصویرگری چهره پیامبر اسلام را مردود می‌شمردند و حتی گاهی تصویرگری جانداران و انسان نیز مورد قبول بخشی از مسلمانان نبود. با این وجود همواره در سرزمین‌های اسلامی تصاویری از انسان و موجودات زنده دیگر نقش می‌شد و به مواردی از تصویرسازی چهره پیامبر نیز بر می‌خوریم (ویجدان^۵، ۱۹۹۹، ص ۱۳). افزون بر منع تصویرسازی چهره پیامبر، مفهوم و تصویر ذهنی خداوند به صورتی که در آیین هندو و مسیحیت رایج است در اسلام مرسوم نبود. این همه به علاوه دلایل اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی و رقابت با تمدن‌های دیگر موجب شد تا هنرمندان و هنرپروان در سراسر سرزمین‌های اسلامی به اشکالی از هنرهای انتزاعی مانند خوشنویسی، نقوش هندسی یا اسلیمی و معماری توجه ویژه داشته باشند (بابارا^۶، ۱۹۹۵).

هنر اسلامی بسیار محدودتر از هنر مسیحی یا بودایی است که مشخصاً فرم‌هایی از هنر - اعم از مجسمه، نقاشی، موسیقی و یا رقص را به کلیسا یا معابد می‌کشاند (ویجدان، ۱۹۹۹، ص ۱۳). ثروت عکاشه محقق برجسته مصری می‌نویسد: «نقاشی دینی در دوره‌های نخستین اسلامی، از آن استقبال و تشویقی که نزد بوداییان و مسیحیان معمول بود، بهره‌ای نداشت. مساجد از تصاویر دینی خالی بود و از نقاشی برای آموزش‌های دینی و پرورش اعتقادات مذهبی، تا پیش از سده ۸ هـ ق/ ۱۴ م استفاده نمی‌شد» (عکاشه، ۱۳۸۰، ص ۱۰۷).

در هنر اسلامی به عناصر تکرار شونده زیادی برمی‌خوریم مانند استفاده از طرح‌های هندسی و یا ترسیمی غیر واقع‌گرایانه از گل و گیاه که به اسلیمی معروفند. نقوش اسلیمی در هنر اسلامی اغلب به‌عنوان نمادی از طبیعت بیکرانی به‌کار می‌رود که مخلوق

³ .Davies

⁴ .Schimmel

⁵ .Wijdan

⁶ .Barbara

خداست. هرچند این نظریه مورد قبول همگان نیست اما تمعد در عدم بازنمایی و تقلید دقیق طبیعت را معمولاً به عنوان نشانی از فروتنی هنرمندان دانسته‌اند که معتقد بودند ایجاد کمال تنها خاص خداوند است (تامسون^۷، ۲۰۰۹).

۹) برخورد با تمدن سایر ملل و شکوفایی تمدن اسلامی

کریستین پرایس معتقد است هنر اسلامی با برخورد با تمدن سایر ملل شکوفا شده او می گوید: «چیرگی اعراب بر جهان ایشان را با پیشه و هنر آشنا ساخت، بیابان گردان که پیوسته در چادرهای پشم بز زیسته بودند ناگهان دیدند فرمانروای شهر های پهناور گشته اند، پرستشگاه های یونانیان و رومیان و کاخهای ایرانیان و کلیساهای بیزانس را با موزائیکهای زرین دیدند، گوهرهای درخشان و فلز کاری و ظروف شیشه ای و سفالهای نقاشی شده و عاج های کنده کاری و ابریشم با نقشهای جالب بدست ایشان افتاد».

هنر اسلامی در حقیقت بر اساس و پایه هنر کشورهای شکل گرفته است که در طی سده های متمادی دارای هنر و تمدن کهنسال بوده اند. در مورد چونگی شکل گیری و تحول هنر اسلامی باید گفت که مسلمانان با هر ملتی که روبه رو شدند و هر سرزمینی را که فتح کردند، عناصری از فرهنگ آن ملت و سرزمین را گرفتند و اختلاف مذهب و نژاد و اقوام را نادیده پنداشتند.

هنر اسلامی هنر نقش مطلق است. هنری است تزئینی و تجریدی، نه هنر نمایش طبیعی و ظاهری اشیاء. یکی از خصوصیات عمده هنر اسلامی «وحدت» است و این وحدت در خوشنویسی و تزئینات بسیار مشهود و مشخص می باشد. در هنر اسلامی، وحدت محتوا، تنوع شکل را که ناشی از گوناگونی سنتهای فرهنگی و هنری جوامع مختلف است، تحت الشعاع خود قرار می دهد. هنر اسلامی به یک معنا، هنری تجریدی (آبستره) و عرفانی است و جوهر آن در قرینه سازی متجلی می شود. نظم تجریدی موجود در آن، بازتابی از محتوای عارفانه ای است که بر پایه بینش اسلامی شکل گرفته و گرایشهای عاطفی و هیجانی در آن جایی ندارد. از این رو، هنر اسلامی با هنر مسیحی یا بودایی، تفاوتی کلی دارد (پرایس، ۱۳۶۴، ص ۵).

هنر اسلامی در بر گیرنده طیف وسیعی از هنرهای مختلف است که در طی چهارده قرن گذشته توسط ملت‌های مسلمان به وجود آمده و برای مقاصد کاربردی و تزئینی مورد استفاده قرار گرفته اند. به طور کلی، معیار شکل گیری هنر اسلامی، پالایش معیارهای هنری سابق و مطابقت با آیین جدید بوده است. نویسنده کتاب «خلاصه تاریخ هنر» نیز معتقد است که شکوفایی هنر اسلامی مرهون فتوحات مسلمانان و آشنایی با فرهنگ و تمدن ملل متمدن بوده است. «گوستاو لوبون» مورخ شهیر فرانسوی بر خلاف «کریستین پرایس» که به نوعی سعی دارد تمدن اسلامی را مرهون تمدن غربیان (یونانیان) بداند، پاره ای از این دیدگاه هارا مخدوش می داند، او بر این باور است که اساساً مشرق زمین دارای فرهنگ و تمدن ریشه ای بوده و اعراب مردمانی آشنا به تمدن بوده اند.

او می گوید: (همیشه مشرق زمین مرکز مردمانی دانشمند و بزرگان صنعت و علمای ادب بوده است) او با استدلال به این نکته که: «اگر زبان و تمدن یک ملتی ناگهان در صفحه تاریخ خود نمایی کرد، این خود نمایی ناگهانی نتیجه پرورش یافتن آن در یک دوران بسیار طولانی است» (لوبون، ۱۳۸۲، ص ۸۵).

جایگاه هنر در جهان اسلام و تمدن اسلامی، با جایگاه آن در تفکر غربی تفاوت دارد. تلقی ما از هنر در عالم اسلام نیز خلاف تلقی غربیان است. در حقیقت، با تفکر غربی مفهوم خاصی از هنر پدیدار می شود که با خلق اثر هنری همراه است. در این تفکر، هنرمند به کسی گفته می شود که نحوه حضور و نسبت بی واسطه ای دارد و او این نسبت بی واسطه را در اثر هنری خود به ظهور می رساند.

در تمدن اسلامی اگر قرار بر حضور کسی است، این حضور از نوع حضور دینی و معنویت عرفانی است و اگر آن شخص اهل حضور نیست و اهل ساختن و پرداختن و حرفه و پیشه و صنعتگری است، این نیز در زمره متحرفه و پیشه وران و صنعتگران

⁷ .Thompson

قرار می‌گیرد. بنابراین چنین تلقی در جهان اسلام وجود نداشته است که کسی در عین ساختن و پرداختن یک اثر هنری، حضوری غیردینی را در آن اثر به ظهور برساند. این یک تلقی آتنی و یونانی است. از این رو لفظی که ما در جهان اسلام برای هنر به کار برده ایم، کمتر معنای ساختن و پرداختن دارد. معنایی که از این لفظ برمی‌آید، بیشتر به نیکی و فضیلت باز می‌گردد؛ چنان که هنر برگرفته از «هونره» زبان پهلوی است. در این زبان «هو» به معنای نیکی و «نره» به معنای مرد دلیر و شجاع است. یعنی در تمدن اسلامی، هنر و هنرمندی بعد از کسب مقام نیکی و دلاوری و شجاعت است. دلیری و شجاعت نیز وقتی است که شخص از مرتبه اضطراب و ترس و دودلی به در می‌آید و به مرتبه امنیت و قرار و اطمینان می‌رسد. به این ترتیب باید گفت که هنر در تمدن اسلامی، بیشتر یک معنا و فضیلت درونی است؛ فضیلتی که مربوط به قلب و دل آدمی است. این تلقی از هنر با تلقی مبتنی بر تخریب و ساختن و پرداختن که بیشتر در عالم غربی رواج دارد، متفاوت است (مشتاق، خلیل، ۱۳۷۵).

۱۰ معماری، نقاشی، خطاطی، صنایع مستظرفه

بدیهی است که اقوام و ملل جهان در آشنایی با هنر و بهره‌وری از آن تقدم و تاخر دارند. ایرانیان و رومیان، سده‌ها پیش از اسلام با هنر آشنا بودند و هر یک از این دو قوم، هم‌زمان با ظهور اسلام، سنتهای هنری چند صد ساله داشتند. شعر و سرود بیشترین هنر عرب بود تا آنکه فتوحات مسلمانان موجب شد تا آن چادر نشینان ناگهان دیده بر کاخهای باشکوه ایرانیان و کلیساها و پرستشگاههای یونانیان و رومیان بگشایند. به همین سبب، هنر صنعتگران ایرانی و یونانی مصری و سوری با هم پیوند خورد و زیر فرمان اسلام، به شیوه‌هایی مبدل شد که امروزه هنر اسلامی نامیده می‌شود. معماری اسلامی در هیئت و شکل سه نوع بنای عمده به ظهور رسید: مساجد، مدارس و مقابر یا بقاع متبرک. (مسجد) جامع دمشق که بین سالهای ۸۷ تا ۹۶ ق به روزگار ولید بر جای پرستشگاه ژوپیتتر (خدای خدایان روم) ساخته شد، در شمار کهن‌ترین بناهای اسلامی است (لوبون، ۱۳۸۲، ۸۵).

مسجد جامع قرطبه با مناره‌های بلند و ستونهای متعددی یکی دیگر از نمونه‌های زیبای هنر اسلامی در اسپانیا و در جهان اسلام است. این مسجد امروز به کلیسا بدل شده، اما هنوز قداست اسلامی‌اش بر نزهت مسیحی‌اش می‌چربد. سخن از هنر اسلامی مصر بدون یادآوری از (سوق القنادیل) یا بازار چراغان در فسطاط ناتمام می‌ماند. سوق القنادیل، یکی از مراکز داد و ستد اشیای هنری و صنعتی آن روز جهان اسلام بود. در فسطاط و قاهره، نه تنها ظرفهای شیشه‌ای سبز شفاف، همچون زمرد درخشان، و شیشه‌های سفید لعاب‌دار و گلدانهای بلند مسین دمشقی به چشم داعی اسماعیلی خوش آمده بود، که پارچه‌های دستباف و اطلسهای موج‌دار و حریر و کتان و ملیله‌دوزیهای زیبای آن نیز حیرت ناصر خسرو را برانگیخته بود (همان منبع).

در معماری، نخستین بنای اصیلی که به دست معماران ایرانی در اوایل سده چهارم هجری ساخته شد، بنای آرامگاه شاه اسماعیل سامانی در بخارا بود، که سرمشق برای ساخت دیگر آرامگاههای باشکوه قرار گرفت. در مسجدسازی، ایرانیان مسلمان ابتدا از همان شیوهی مسجدسازی با ستون‌هایی که در جهان عرب معمول بود - پیروی می‌کردند؛ اما چندی نگذشت که پایه‌های آجری را جانشین ستونهای سنگی ساختند و طاقهای قوس‌دار گوناگونی را ابداع کردند که با آجر بسته می‌شد. شیوه خاص مسجدسازی ایرانی نیز با استفاده از ایوان و رواق، از خانه‌ی ایرانی به مسجد، و از آن به بنای مدارس رسمی، که از نیمه دوم سده‌ی پنجم هجری برای طالبان علوم ساخته می‌شد، راه یافت (بستانی، محمود، ۱۳۷۱، ص ۱۲).

مسجد جامع اصفهان یا مسجدی که به سال ۵۳۰ ق در زواره ساخته شد و هنوز بر جای مانده، باید نخستین مسجد تاریخ‌داری باشد که در آن، از معماری چهار ایوانی استفاده شده است. در دوره‌ی سلجوقی، آجر در زینت بخشیدن به بناها نقش اساسی داشت؛ در همین دوره کم‌کم حواشی نما و متن داخل آن را با کاشی زینت بخشیدند. این طرح کلی بنای مسجد، مشتمل بر چهار ایوان به اضافه‌ی نمازخانه‌ی گنبددار، از عهد سلجوقیان به بعد در ساختن تمامی مساجد ایرانی به کار رفت. ساختن ظروف سفالین زیبا، بخش دیگری از هنر آن دوره به شمار می‌آید و ممتازترین نمونه‌های آن، در دوران سلجوقیان تا سده‌ی هفتم هجری در ری و کاشان پدید آمد. پس از استیلای مغول هنرمندان به ظروف چینی دوره‌های یوان و مینگ، که به

رنگهای سفید و آبی ساخته می‌شد، تمایل نشان دادند. خطاطی باید دنباله‌ی فن قرآن‌نویسی در صدر اسلام باشد. بسیاری از برگزیده‌ترین خطاطان، ایرانی بودند و در میان انواع شیوه‌های خطاطی دو شکل عمده‌ی آن، یعنی نستعلیق و شکسته، از نوآوریهای ایرانیان بود (شریف، میرمحمد، ۱۳۸۲).

پهناوری جغرافیایی جهان اسلام و تنوع و تعدد حکومت‌های درونش، این ویژگی را به آن بخشیده بود که هرگاه، بنا بر حوادث، در یکی از بخش‌های آن موجبات افول هنر فراهم می‌آمد، در بخشی دیگر اسباب پیشرفت آن حاصل می‌گشت. هم‌زمان با هجوم وحشیانه‌ی مغولان به ایران، در مصر سلطان بیبرس از هنرمندان و جنگاوران حمایت می‌کرد.

غازان‌خان، هفتمین ایلخان مغول (حک: ۶۹۴-۷۰۳ق) پایتخت خود، تبریز را به کانون دانش و هنر اسلامی مبدل ساخت. او که رسماً مسلمان شده بود، در جنوب تبریز شهری نو بنا کرد و در آنجا مدرسه‌های دینی و مدرسه و بیمارستان و یک کاخ ساخت. وزیرش، رشیدالدین فضل‌الله همدانی هم که از فرهیختگان زمان خود بود، در جانب شرقی تبریز مجموعه‌ای به نام ربع رشیدی، مشتمل بر بناهای فرهنگی و خانه‌های متعدد برای طالبان علوم، نقاشان، خطاطان و مینیاتورسازان بنا کرد. سفالگری ایرانی هم مانند نقاشی مینیاتور از هنر سفالگری چینی تاثیر پذیرفت و هنرمندان به جای ادامه شیوه سلجوقی اقدام به ایجاد طرح‌های آزاد و پراگنده کردند. زیبایی کاخ‌های اسلامی در معماران مسیحی اسپانیا، اثری شگرف داشت. شاهان مسیحی در شهرهای گشوده شده‌ی اسپانیا صنعتگران مسلمان را به ساختن بنا به شیوه‌ی اسلامی می‌گماشتند و چون با خانه‌های حیاطدار مسلمانان خو گرفتند، این شیوه را به امریکا بردند (میرجعفری، حسین، ۱۳۷۵).

در ایران عهد تیموریان نیز، همان‌گونه که اشاره شد، با وجود غارت و مردم‌کشی تیمور، هنر راه بالندگی را در پیش گرفت. فرزند تیمور، شاهرخ، پایتخت را از سمرقند به هرات برد و به ترمیم ویرانی‌هایی که به دست پدرش پدید آمده بود، پرداخت. همسر شاهرخ، گوهرشاد، در کنار آرامگاه امام رضا (علیه‌السلام)، مسجدی به نام خودش بنا کرد. در روزگار فرمانروایی شاهرخ و دیگر شاهان پس از او، هنر موزاییک‌سازی با کاشی‌های ریز لعابی رنگین، در بناهایی که در مشهد و اصفهان ساخته شد، به اوج خود رسید. بایسنقر میرزا، فرزند شاهرخ، چهل تن از نقاشان و نگارگران ایران را در هرات گرد آورد، تا برای نسخه‌های خطی کتابخانه او مینیاتور بسازند. مشهورترین اثری که در پی این دل‌بستگی او به هنر مینیاتور به وجود آمد، شاهنامه‌ی معروف بایسنقری می‌باشد که در ۸۳۳ق نگارگری آن به پایان آمد (همان منبع).

کمال‌الدین بهزاد متولد اواسط سده‌ی نهم، شیوه‌ای نو در نقاشی در پیش گرفت و در آن به وصف جزئیات واقعی زندگی روزانه پرداخت. در زمان شاه‌عباس صفوی برای معماری شهری و عمومی، نقشه منطقی تهیه شد، بدین‌گونه که میدان بزرگی به نام میدان نقش جهان ایجاد شد و سپس در وسط هر یک از چهار ضلع آن، بنایی بزرگ برپا گردید؛ به گونه‌ای که طرح کلی آن بازتابی از یک ساختمان چهار ایوانی بسیار بزرگ بود که در معماری ایرانی از دوره باستان به این سو سابقه داشت. چهار بنای عمده‌ی آن عبارت بود از: مسجد شاه، مسجد شیخ لطف‌الله، سردر بازار قیصریه، و عمارت عالی قاپو. ایران در پایان عصر صفوی و هند در پایان عصر گورکانی، هر دو گرفتار جنگ‌ها و اختلافات داخلی شدند و نادرشاه افشار، به دوران احتضار طولانی این دو امپراطوری پایان بخشید. در آن ایام امپراطوری عثمانی از آرامشی نسبی بهره داشت و سلطان احمد شیفته‌ی جشن و سرور بود، به همین سبب، مینیاتورها و مجالسی از هنرمندان روزگار او مانند لئونی بر جای مانده و از صد متجاوز است. با ورود صنعت چاپ به استانبول به سال ۱۱۴۰ق/۱۷۲۷م دوران رونویسی کردن و مصور ساختن نسخه‌ها و کتابها به سر آمد و به همان نسبت که معماری عثمانی از پایان عهد سلطان احمد سوم زیر تاثیر معماری اروپا، دارای کلاه فرنگی شد و دیگر هنرهای اسلامی، مانند نقاشی، سفالگری و کاشی‌سازی، آن رونق و رواج سده‌ی دهم هجری خود را از دست داد؛ هر چند یکباره نمرود و هنرهایی چون گوهرسازی، زری‌بافی و سوزن‌دوزی توانست تا اواسط سده‌ی هجدهم میلادی به حیات خود ادامه دهد (غفاری فرد، عباسقلی، ۱۳۸۱).

۱۱) هنر و انقلاب اسلامی

در سال های اخیر، قدرت های جهانی به نقش هنر در تحقیق منافع خود، بیش از پیش پی برده اند و یکی از نمودهای آن، جایگزینی تهاجم فرهنگی به جای تهاجم سیاسی و نظامی است. تهاجم فرهنگی، بیش از هر چیز دیگر به عنصر هنر و مؤلفه های آن وابسته است. به همین دلیل، انقلاب اسلامی ایران برای ابلاغ و صدور پیام خود و مقابله با شبیخون فرهنگی، نیازمند بهره گیری از هنر است؛ زیرا تنها راه مقابله با فرهنگ، خود فرهنگ است (رستگار جویباری، ولی اله، ۱۳۷۶، ص ۱۰۵).

۱۲) شعر

شعر، یکی از ابزارها و زبان های مهم هنری برای پیام رسانی و تبلیغ است. ذوق لطیف شعری اگر در بردارنده نکته های قرآنی و اخلاقی و دارای هدف الهی و انسانی باشد، یکی از ارزنده ترین ابزار هنری برای خدمت به اسلام و ارزش هاست. رسول خدا صلی الله علیه و اله درباره آن دسته از اشعاری که دارای ارزش مثبت است، می فرماید: «بعضی از اشعار، حکمت و پاره ای از سخنان، سحر است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ص ۳۸۳).

از دیدگاه اسلامی، شاعران باید همچون دیگر هنرمندان، افرادی پاک، متعهد، باایمان و دعوت کننده به حق و راستی باشند. بی تردید، شعر و شاعری در اسلام زمانی ارزش دارد و ستودنی است که از آن بهره گیری سازنده شود. در غیر این صورت، نه تنها بی ارزش، بلکه زیان بار خواهد بود (رستگار جویباری، ولی اله، ۱۳۷۶، ص ۱۰۵).

۱۳) شعر و اسلام

در هر ملت و قومی، شعر و ادبیات، بخشی از فرهنگ آن را تشکیل می دهد. به همین دلیل، شعر در همه زمان ها با اهمیت است، تا آنجا که در تکامل اندیشه بشر و پیشرفت فرهنگ و هنر، نقش دارد و تشکیل دهنده بخشی از تاریخ شمرده می شود. عالی ترین نمونه فرهنگ نزد اعراب جاهلی، شعر بود و سرودن شعر، شهرت و ثروت به ارمغان می آورد. آنها بهترین نمونه های اشعار خود را به دیوار کعبه آویزان می کردند. پیامبر و امامان نیز به شعر عنایتی خاص داشتند و همواره شاعرانی را که در تأیید و یاری اسلام شعر می سرودند، تشویق می کردند. در غدیر خم پس از خطبه رسول خدا صلی الله علیه و اله، حسان بن ثابت نخستین ابیات را در ثبت آن واقعه تاریخی سرود و در نتیجه از محبت های حضرت برخوردار شد. قیس بن سعد بن عباده، عبدی کوفی، کعب بن زهیر، دعبل و کمیت، از دیگران شاعران مورد توجه معصومان بودند (رستگار جویباری، ولی اله، ۱۳۷۶، ص ۱۰۵).

۱۴) فرش بافی

ورود اسلام به ایران، تحولی شگرف در جنبه های گوناگون زندگی مادی و معنوی این سرزمین به وجود آورد. از جمله مواردی که تحت تأثیر مبانی فکری اسلام قرار گرفت، هنرهای ایرانی بود. فرش بافی، یکی از همین هنرهاست که از برجسته ترین نمادهای ملی، تاریخی و شاخص هویت هنری ایران شمرده می شود. در طراحی فرش ایران، گونه ای از نمادگرایی اسلامی با ریشه های عرفانی به چشم می خورد و ارزش های زیبا شناختی را در قالب طرح و نگاره هایی با ویژگی های هنر تزیینی ناب می توان دید (نیرومند، پوراندخت، ۱۳۸۸).

۱۵) علم موسیقی

در دوره‌ی عباسیان و همزمان با اوج‌گیری نهضت ترجمه کتابهای موسیقی ایران و هند و یونان نیز ترجمه شد. در اینجا برخی از آثار علمی برخی دانشمندان موسیقی دوره خلافت عباسیان را به اختصار می‌آوریم: ابراهیم بن ماهان موصلی (۱۲۵-۱۸۸ق): پدرش ماهان از دهقانان ارگان فارس بود و از فارس به کوفه مهاجرت کرد و در آنجا با خانواده‌ای اصیل و ایرانی وصلت کرد. ابراهیم با پیشرفتی شگفت‌آور موسیقی را نزد کسانی چون جوانویه‌ی ایرانی فرا گرفت و به سرعت شهرت او به دربار خلیفه‌ی عباسی، مهدی رسید. ابراهیم به دعوت مهدی خلیفه عباسی پسر او هارون الرشید در دربار مقام و منزلتی خاص یافت. ابونصر فارابی (۳۳۹-۲۵۹ یا ۲۶۰ق): فیلسوف و ریاضی‌دان و موسیقی‌دان بزرگ ایرانی بود. فارابی گرانسنگ‌ترین کتابها را در موسیقی به نگارش درآورد. مهم‌ترین آثار فارابی در موسیقی احصاء العلوم و الموسیقی الکبیر است. ابوعلی سینا (۳۷۰-۴۲۸ق) او در کتاب شفا بابی را به نام (فن) به موسیقی اختصاص داده است. ابن سینا نخستین کسی است که از وی پس از اسلام درباره‌ی موسیقی اثری به فارسی باقی مانده است و این همان کتاب النجاء است که شاگرد او ابو عبید جوزجانی ترجمه کرده و آنرا دانشنامه‌ی علایی نام نهاده است (بلخاری قهی، حسن، ۱۳۸۸).

۱۶) هنر و زیبایی در تمدن اسلامی

تاریخ هنر و معماری در تمدن اسلامی، نمایانگر جلوه‌هایی عظیم، باشکوه، کم‌نظیر و بلکه بی‌نظیر است. شکوه این آثار نه صرفاً برخاسته از ذوق و احساس زیبایی‌شناسانه هنرمندان و معماران مسلمان، که در نوعی الهیات نظری و در بُعدی شهودی، نهفته است. لیک در حالی که تمدن‌های دیگر، اصول و مبانی مشخصی در تبیین بنیان‌های نظری هنر و معماری خویش تدوین نموده‌اند، تمدن اسلامی این اصول و مبانی را هرگز به صورت شفاف و روشن، تئوریزه نموده و مکتبی تحت عنوان فلسفه هنر اسلامی بنیاد نگذاشت. مباحث عمیق و دقیق حکمای ملمان نیز پیرامون بنیادهایی چون خیال، تخیل، صور مثالی، عالم مثال، نور، رنگ و ... که خود بنیاد اصلی ظهور یک مکتب حکمی نیرومند در تحلیل و تأویل آثار هنری و معماری تمدن اسلامی بود، در ساحت فلسفه و کلام، کارکردی فلسفی و کاملاً تفولوژیک یافتند و این معنا تمدن اسلامی را با موقعیت غربی در عرصه هنر مواجه نمود؛ موقعیتی که منتقدان و متفکرانی را برانگیخت تا مواضعی سخت در تردید و انکار اسلامیت هنر اسلامی برگزینند: «در اسلام، دین مانع هنرهاست» (دانیل بورستین) و نیز «در هنر اسلامی هیچ چیز اسلامی وجود ندارد» (تری آلن) و «نظر طنزآمیز «اسلامیت» هنر اسلامی را مسلمانانی اختیار کردند که خبر نداشتند که این نظر چه ریشه عمیقی در دیدگاه کاملاً فرهنگی غرب نسبت به شرق دارد» (پرایس، ۱۳۶۴، ص ۵). این موقعیت غریب، حاصل سه امر است: اول: از یک سو کمتر کسی را می‌توان یافت که در شکوه، عظمت و خیره‌کنندگی آثار هنری و معماری اسلامی از الحمرا تا تاج‌محل کوچک‌ترین تردیدی به خود راه دهد. دوم: کمتر محققى را می‌توان یافت که به حکمت و فلسفه اسلامی واقف بوده و در عین حال قدرت ابداع حکما و فلاسفه مسلمان را در ارائه دقیق‌ترین و عمیق‌ترین مباحث بنیادی مربوط به هنر (چون قوه خیال و عالم مثال) منکر شود، همچون هانری کربن که تفاوت فلسفه اسلامی با فلسفه غرب را در این می‌داند که این تمدن به پشتوانه قرآن و حکیم متألهی چون شیخ اشراق، «عالم مثال» دارد و فلسفه غرب ندارد، یا ژیلبر دوغان اندیشمند دیگر فرانسوی که «تمامی پیشرفت‌های روانکاو عصر جدید را در برابر نظریه خیال منعکس در فتوحات مکیه در حد مطالعاتی ابتدایی و ماقبل تاریخی می‌داند». سوم: لیک با این وجود، تمدن اسلامی، فاقد نظام و مکتبی است که این مبانی را در راستای آن آثار، تدوین و تنظیم کرده باشد، لاجرم آرای نامحققانه کسانی که نمونه‌هایی از آن در سطور فوق گفته آمد، از چنین بستری برخاسته و نشئت می‌گیرد.

بنابراین تبیین رابطه‌ها و تدوین اصول نظری حاکم بر این هنر (و معماری) که سابقه‌ای بیش از دوازده قرن در آفرینش آثار و کمترین سابقه را در عرصه نظر و نظریه‌پردازی دارد، کاری است بس دشوار (اما نه غیرممکن). زیرا از یک سو با بنیان‌های نظری بسیار نیرومندی در قرآن، روایات و آرای حکما مواجهیم و از سوی دیگر آثاری که عظمت و شکوهشان نشان می‌دهد بدون شک ریشه در بنیان‌های نظری بس نیرومندی داشته و به حکم عقل محال است خودرو، ظهور یافته یا محصول تقلید صرف از دیگر تمدن‌ها باشند.

فرض بر این است که بنیان نظری هنر، زیبایی و معماری در تمدن اسلامی نظریه «قدر» است. این پژوهش، با روش توصیفی تحلیلی و مبتنی بر مستندات تاریخی و مطالعات تحقیقی و با در نظر گرفتن فصل مشترک معماری و هنرهای مختلف اسلامی (یعنی هندسه) و با غور و بررسی در آیات قرآن، روایات معصومین علیهم‌السلام، آرای حکما و فلاسفه مسلمان و نسبت وسیع و وثیق هنر و فتوت و صنعت با حکمت در تمدن اسلامی، تلاش نموده است نظریه‌ای زیربنایی و بنیادین (نظریه قدر) برای تبیین تئوریک هنر و معماری اسلامی به دست دهد (همان منبع).

۱۷) صفات و ویژگی‌های متمایز هنر و معماری اسلامی

۱. هنر اسلامی نسبت به هنر مذاهب و مشاربی چون مسیحیت، بودیزم و هندوئیزم که در آنها پیکره‌تراشی و شمایل‌نگاری یک اصل رایج می‌باشد، انتزاعی‌تر بوده و پرداختن به صورت انسانی در آن چندان جایگاهی نداشته و ندارد.
۲. هنر و معماری اسلامی، طبیعت‌گرا (به معنای صوری آن) نیست. برخلاف هنر ایران (پیش از اسلام)، یونان و رم، هنر اسلامی از طبیعت تقلید صرف نمی‌کند. وجود آثار هنری نمادین و اسطوره‌ای در تمدن‌های مذکور نیز، به دلیل حضور اصل تجسد - یا تجسم انسانی مفاهیم متفاوتی - الزاماً این آثار را به آثاری تجریدی یا انتزاعی تبدیل نمی‌کند.
۳. تمامی کوشش هنرمند غربی بعد از قرون وسطی این است که در ترکیب‌بندی، پرسپکتیو اثر را چنان به تماشا گذارد که چشم ناظر، جهان را آن‌گونه می‌نگرد، همچون نقاشی معیار آن دوره یعنی مدرسه آتن، اثر را فائل (شاید متأثر از غلبه سوپژکتیویته بر ایزکتیویته که مهم‌ترین تحول فلسفی پس از رنسانس بود). این معنا در هنر اسلامی مکانتی ندارد زیرا هنرمند مسلمان تلاش می‌کند به مخاطب خود پیام‌وزد که چگونه عالم را (و در اصل آیات الله) و در عرصه هنر، اثر هنری، را بنگرد.
۴. هنر و معماری اسلامی نسبت به هنر و معماری یونانی، رمی و رنسانس درون‌گراتر است.
۵. در هنر و معماری اسلامی نظم، آراستگی و تناسب حضوری کامل دارد.
۶. هندسه در تمامی ابعاد هنر و معماری اسلامی حضور دارد. به عبارتی هیچ اثر هنری یا عمارت اسلامی را یافت که از هندسه تهی باشد (مشتاق، ۱۳۷۵) (بلخاری قهپی، حسن، ۱۳۸۸).

۱۸) نظر اسلام درباره هنر

همواره دو دیدگاه مخالفان و یا طرفداران هنر برای نفی یا اثبات حرمت و یا حلیت هنر در مقابل هم وجود داشته . با بررسی تاریخ هنر می‌توان به نیکی دریافت که همواره هنر با ساده‌ترین شکل خود در خدمت دین اعم از الهی و غیر الهی بوده است ساده‌ترین شکل معماری معابد و سروده‌های مذهبی و شمایل‌نگاری و اشکال مختلف هنرهای نمایشی و آیینی و یا آثار تجسمی و صنایع دستی با دین‌های الهی و غیر الهی ارتباط تنگاتنگ داشته‌اند (جان احمدی، فاطمه، ۱۳۸۶، ص ۱۸۴).

۱۹) هنر اسلامی از آغاز تا فروپاشی عباسیان

۱-۱۹) هنر اسلامی از آغاز تا عصر امویان

رشد و گسترش هنرهای اسلامی به گونه‌ای سریع و شگرف بود که نمونه و شبیه آن در تاریخ کمتر یافت می‌شود. بی‌تردید در زمان استقرار حکومت پیامبر اکرم در مدینه از هنر به معنای خاص آن کمتر اثری وجود داشت البته بخش‌های مرتبط با صنایع دستی و یا فلزکاری و منسوجات خالی از تجلیات هنری نبود اما بی‌گمان به دلیل عدم تداخل این بخش با فرایند شکل‌گیری هنر دینی به معنای اخص چندان مورد توجه مورخان و محققان نبوده است کما در دو زمینه مجسمه‌سازی و معماری که مورد اول به سبب خدمت نمودن به آیین بت پرستی خیلی زود تعطیل شد و معماری نیز به دلیل ساختار شهری مدینه با ساختمان‌های خشن و محقر بسیار ساده و ابتدایی بود. با این همه طبق نظر محققان در دوران ده ساله هجرت تا رحلت پیامبر اکرم مظاهر ابتدایی هنر اسلامی شکل گرفت (جان احمدی، فاطمه، ۱۳۸۶، ص ۱۸۹).

۲-۱۹) هنر اسلامی در عصر خلفای اموی

عصر امویان با خلافت معاویه آغاز و به مروان دوم ملقب به حمار منتهی شد. مرکز خلافت امویان در سراسر این دوره شام بود نزدیکی دربار خلافت امویان به مناطق تحت نفوذ بیزانس موجب شد تا در برخی مسائل فرهنگی و تمدنی متأثر از آنان باشند و حضور بسیاری از نسطوریان در دربار امویان ثمر روند گرایش به بیزانس افزود (جان احمدی، فاطمه، ۱۳۸۶، ص ۱۹۰). ضمن اینکه گرایش امویان به تجمل گرایی و جمع آوری ثروت و نعمت (زیدان، جرجی، ۱۳۷۲، ص ۶۳) نظر آنان را به سمت نزدیک ترین همسایگان متمدن خود بیزانس و ایران معطوف نمود.

از جمله آثار بسیار زیبای معماری دوره اموی عبارتند از:

قبه الصخره

مسجد جامع دمشق

قصر عمره

قصر الحیر شرقی

قصر خزانه

قصر المشتی (رید، هربرت، ۱۳۶۷، ص ۵۶۴).

۳-۱۹) هنر اسلامی در عصر عباسیان

نخستین اقدام منصور دومین خلیف عباسی ساخت شهر نوبنیاد بغداد و انتقال مرکزیت خلافت بدانجا بود این اتفاق مهم تأثیرات شگرفی بر همه ساختار تمدنی عباسیان نهاد و به تبع آن فرهنگ و تمدن اسلامی را نیز از خود متأثر نمود. نزدیکی دربار خلافت اسلامی به کانون های تمدنی ایرانی و حضور بی شائبه ی وزیران دانش دوست ایرانی در عرصه علم، سیاست و فرهنگ، رشد فزاینده ی مفاهیم تمدنی را در پی داشت (جان احمدی، فاطمه، ۱۳۸۶، ص ۱۹۵). از جریانهای مهمی که در عصر میانی عباسیان شکل گرفت و مفاهیم دیگری را در هنر این دوره وارد کرد ورود ترکان به دستگاه خلافت اسلامی بود اینان صورت دیگری از هنر را به جهان اسلام وارد نمودند که به کلی با نمونه های پیشین خود متفاوت بود (امین، احمد، ۲۰۰۵، ص ۳۶).

۴-۱۹) هنر اسلامی در عهد امویان اندلس

تنها شاهزاده اموی عبدالرحمن اول ملقب به الداخل بود که در سال ۱۲۹ هجری از قتل عام عباسیان جان سالم به در برد و به اندلس گریخت و سپس به کمک هواداران بسیار خود توانست حکومتی مستقل دراندازد او درخشان ترین و غنی ترین ادوار تاریخ میانه اسلام در اندلس با او نامبردار است (ابن عذاری، ۱۹۹۸، ص ۴۰).

به رغم بی ثباتی سیاسی در زمان او موضوعات فرهنگی به شدت رشد کرد و سرآمدان بسیاری چون ابن حزم، ابن رشد، ابن عربی و آل میمون و مترجمان عالی رتبه در این عرصه بالیدند و تمدن اسلامی را از آثار خود سیراب کردند (نعنعی، عبدالمجید، ۱۹۸۳، صص ۲۴۵-۲۳۱).

۵-۱۹) هنر اسلامی در عهد فاطمیان

نهضت شیعی اسماعیلی در دهه های آخر قرن سوم هجری با تشکیل حکومت فاطمیان در مغرب به بار نشست و در اندک زمانی توانست با تبلیغاتی وسیع قبایل ناراضی بربر را جلب نموده از مهم ترین ابزار تبلیغاتی فاطمیان سازمان دعوت آنان بود که در نقاط مختلف جهان اسلام بسط یافت و به دعوت پیگیر خود برای تبلیغ به نفع فاطمیان ادامه داد. در این دوره هنر چوب بری و کنده کاری با نقش مایه های نباتی اسلیمی و روح سرزنده و پویای هنر اسلامی در مصر عصر فاطمی احیا شد و

سایر هنرهای تزئینی چون فلزکاری، عاج کاری، شیشه گری و بلور سازی به اوج خود رسید (جان احمدی، فاطمه، ۱۳۸۶، صص ۲۰۴-۲۰۵)

۲۰ نتیجه گیری

انچه در این مقاله گذشت نکته ها و خلاصه ای از هنر در تمدن اسلامی بود ما در این مقاله سعی کردیم به تعریف هنر بپردازیم و آن را در دوران مختلف حکومت های اسلامی از خلفای راشدین گرفته تا عصر حاضر مورد بررسی قرار دادیم و هنرمندان بزرگ و دانشمندانی که در زمینه ی هنر و هنر پروری تلاش کرده اند و هنر را در ابعاد مختلف روحانی و عرفانی و نمادهایی در مساجد و ظروف و خطوط به نمایش گذاشته شد وقتی هنر اسلامی در کنار دیگر تمدن ها قرار گرفت تلاش شد که پرورش پیدا کند و این جا بود که تمدن اسلامی در زمینه ی پرورش هنر و هنرمندان به نقطه ی اوج رسید و در ابعاد مختلف هنری شکوفا شد از بخارا تا قرطبه در اسپانیا به عالیترین وجه خود را نمایان کرد.

منابع

۱. ابن عذاری. (۱۹۹۸م). *البیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب*، ج ۲، بیروت - دارالثقافه
۲. امین، احمد. (۲۰۰۵م). *ظهر الاسلام*، بیروت - دارالکتب الغربی
۳. آشوری، داریوش و دیگران. (۱۳۸۰ش). *مسایل و چشم اندازهای فرهنگ*، ترجمه بهروز منتظمی و دیگران، تهران - انتشارات وزارت و فرهنگ ارشاد اسلامی
۴. بستانی، محمود. (۱۳۷۱). *اسلام و هنر*، ترجمه، حسین صابری، مشهد: آستان قدس رضوی.
۵. بلخاری قهی، حسن. (۱۳۸۸). *سرگذشت هنر در تمدن اسلامی (موسیقی و معماری)*. تهران: سوره مهر. چاپ دوم.
۶. پرایس، کریستین. (۱۳۶۴). *تاریخ هنر اسلامی*، ترجمه: مسعود رجب نیا، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
۷. جان احمدی، فاطمه. (۱۳۸۶). *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، ۱۳۸۶ قم - دفتر نشر معارف
۸. خزایی، محمد. (۱۳۸۵). *مقاله «نمادگرایی در هنر اسلامی»*. مجموعه مقالات اولین همایش هنر اسلامی
۹. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. رستگار جویباری، ولی الله. (۱۳۷۶). *هنر و هنرمندی در نظام اسلامی*، تهران: عقیدتی سیاسی نیروی هوایی ارتش، چ ۱.
۱۱. رید، هربرت. (۱۳۶۷ش). *کتاب هنر*، ترجمه یعقوب آژند، تهران - انتشارات
۱۲. زیدان، جرجی. (۱۳۷۲). *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهر کلام، تهران - امیرکبیر
۱۳. شریف، میرمحمد. (۱۳۸۲). *هنرهای اسلامی*، تهران: نشر دانشگاهی.
۱۴. شیخ صدوق. (۱۳۷۲). *من لا یحضر الفقیه*. (ج ۴). قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۱۵. عکاشه، ثروت. (۱۳۸۰). *نگارگری اسلامی*، ترجمه غلامرضا تهامی، تهران: سوره مهر، چاپ اول.
۱۶. غفاری فرد، عباسقلی. (۱۳۸۱). *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه*، تهران: سمت.
۱۷. مرادی جم، مجید. (۱۳۸۹). *هنر دوره عباسیان*. ترجمه از مقاله Time line Of art history
۱۸. مرزبان، پرویز. (۱۳۸۰). *خلاصه تاریخ هنر*، تهران: علمی فرهنگی.

۱۹. مشتاق، خلیل. (۱۳۷۵). *هنر و معماری ایران در دوره باستان و دوره اسلامی*. تهران.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۵.
۲۱. میرجعفری، حسین. (۱۳۷۵). *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان*. اصفهان.
۲۲. نعنعی، عبدالمجید. (۱۹۸۳). *الاسلام فی طلیطله*، نام مترجم، بیروت- دارالنهضة العربیه للطباعه و النشر (بی تا)
۲۳. نیرومند، پوران‌دخت. (۱۳۸۸). *آموزش هنر قالیبافی*. تهران: بازتاب.
۲۴. لوبون، گوستاو. (۱۳۸۲). *تمدن اسلام و عرب*، ترجمه: سید هاشم حسینی، تهران: دنیای کتاب.
25. «Annemarie Schimmel and Barbar Rivolta, The Metropolitan Museum of Art Bulletin, New Series, Vol. ۵۰, No. ۱, Islamic Calligraphy (Summer, 1992)» (انگلیسی) وبگاه رسمی. <http://www.jstor.org/stable/3263914>. بازبینی شده در ۱۵/۱۲/۲۰۰۹/۲۳:۵۴
26. Brend, Barbara , *Islamic Art*, British Museum Library, Third Edition, 1995
27. Davies, Penelope J.E. Denny, Walter B. Hofrichter, Frima Fox. Jacobs, Joseph. Roberts, Ann M. Simon, David L. Janson's History of Art, Prentice Hall; 2007, Upper Saddle River, New Jersey. Severth Edition, ISBN 0-13-193455-4
28. Thompson, Muhammad; Begum, Nasima. "Islamic Textile Art: Anomalies in Kilims". *Salon du Tapis d'Orient*. TurkoTek. Retrieved 25 August 2009.
29. Wijdan Ali , The Arab Contribution to Islamic Art: From the Seventh to the Fifteenth Centuries, American Univ in Cairo Press, December 10 1999, ISBN 977-424-476-1